

بررسی و تحلیل نرخ مشارکت نیروی کار و عرضه نیروی کار در ایران و استان‌های کشور

خلاصه طرح

اهداف:

- ۱- بررسی و تحلیل روند نرخ مشارکت نیروی کار و عرضه نیروی کار به تفکیک گروه‌های سنی، شهری و روستایی و جنسیت در کشور و استان‌ها
- ۲- تحلیل عوامل اثرگذار به ویژه پوشش تحصیلی و تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها با الگوی اقتصادسنجی

نتایج:

- عرضه نیروی کار، متأثر از تغییرات جمعیت در حداقل یک دهه گذشته است لذا متوسط رشد جمعیت در طی دوره ۶۵-۱۳۵۵ (معادل ۲/۹ درصد)، دوره ۷۵-۱۳۶۵ (معادل ۲ درصد) روی عرضه نیروی کار سال‌های اخیر مؤثر بوده است. با توجه به این که آهنگ رشد جمعیت در دوره ۸۵-۱۳۷۵ معادل ۱/۶ درصد بوده و کمتر از دهه‌های گذشته آن است لذا انتظار می‌رود که فشار به بازار کار از ناحیه جمعیت در آینده کاهش یابد.
- نرخ بیکاری از ۹/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۲/۸ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. افزایش بیکاری، علی‌رغم افزایش اشتغال، متأثر از رشد قابل توجه عرضه نیروی کار است.
- در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵، سالانه ۷۴۴۱۴۷ نفر وارد بازار کار شده‌اند که ۵۹۰۴۸۲ نفر به شغل رسیده‌اند.
- نرخ بیکاری و نرخ مشارکت نیروی کار در استان‌ها، اختلاف قابل توجهی با هم دارند و این مطلب بیانگر عدم توازن منطقه‌ای است.
- سهم جمعیت دارای تحصیلات دانشگاهی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نرخ مشارکت نیروی کار مردان و زنان ۲۴-۳۰، ۲۹-۳۵ و ۳۰ ساله و بیشتر دارد. بنابراین با گسترش دانشگاه‌ها، باید منتظر رشد هرچه بیشتر عرضه نیروی کار بوده و لذا ایجاد فرصت‌های شغلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. براساس این تحولات، ارتقاء کیفیت آموزشی در دانشگاه‌ها و انطباق هرچه بیشتر دانشگاه و بازار کار مهم می‌باشد.
- سطح عمومی قیمت‌ها و رشد آن تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نرخ مشارکت نیروی کار بعضی از گروه‌های سنی دارد.
- تولید ناخالص داخلی سرانه، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان دارد.
- دستمزد واقعی و حداقل دستمزد واقعی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان ۲۴ - ۳۰ ساله، ۳۰ ساله و بیشتر و نرخ مشارکت نیروی کار مردان ۱۴-۱۰ ساله، ۱۹-۱۵ ساله، ۲۹-۳۵ ساله و ۳۰ ساله و بیشتر دارد.
- با افزایش سهم زنان سرپرست خانوار، نرخ مشارکت نیروی کار، افزایش می‌یابد و این زنان برای تأمین معیشت خانوار وارد بازار کار می‌شوند.
- با افزایش نسبت مهاجران به جمعیت هر استان، نرخ مشارکت نیروی کار افزایش می‌یابد. بنابراین، از آنجا که یکی از انگیزه‌های اصلی مهاجرت، شغل و کسب درآمد است، این نتیجه قابل دفاع است.